



□ چه نقشی در بینوایان بازی می‌کنید؟

■ مادام تناردیه، همسر تناردیه مهمانخانه‌چی که در بینوایان کوزت کوچولو را در اختیار ما گذاشته‌اند تا از او نگهداری کنیم و در مقابلش پول بگیریم، می‌شود گفت آدم بدجنس این نمایش هستم.

□ آیا این زن هم جزء گروه بینوایان است؟

■ دقیقاً. حتی بحثی را که با آقای صحراوردی «تناردیه» داشتیم، می‌گفتیم که ما هم در رده بینوایان هستیم. البته زن و وال زن در پایان نمایش می‌گریه خانواده تناردیه آدم‌های بدی بودند. قرار است ما با آقای غریب پور در این مورد هم بحث داشته باشیم که این دیالوگ حذف شود. چرا که این خانواده هم دچار مشکلات زندگی هستند. چون آگاهی ندارند به کوزت بی‌رحمی می‌کنند و این هم به خاطر بینوایی آنهاست. اگر شرایط اجتماعی بهتری بود این‌ها هم عوض می‌شدند. من شخصاً اعتقاد ندارم که بد مطلق یا خوب مطلق وجود دارد. انسان‌ها با توجه به شرایط اجتماعی می‌توانند خوب یا بد باشند. همه انسانها مجموعه‌ای از همه عواطف هستند.

□ شما نقش یک آدم منفی را بازی می‌کنید و در عین حال قرار است وجوه بینوایی این شخصیت هم منتقل شود. چگونه این دو وجه متضاد را به مخاطب منتقل می‌کنید؟

■ تاجایی که در حد امکانات بازیگری ام باشد و مغایر با نظرات کارگردان نباشد، می‌خواهم با تماشاچی این ارتباط را برقرار کنم.

من و آقای صحراوردی در این فکر هستیم که تماشاچی بادلسوزی به این خانواده نگاه کند و یک مقدار کار را به سمت کمدی بکشانیم، شاید از تلخی زندگی این آدم‌ها کاسته شود و مخاطب مهربان‌تر به آنها نگاه کند.

□ با توجه به نقش منفی مادام تناردیه فکر نمی‌کنید در این نوع نقش‌ها کلیشه بشوید؟

■ متأسفانه این بر می‌گردد به انتخاب سطحی و ظاهری بعضی از کارگردان‌ها. وقتی که من در یک نمایش می‌توانم حدوداً نقش یک آدم بدجنس را خوب بازی کنم، دیگر هیچ کارگردانی به عنوان بازیگر یک نقش مثبت سراغ من نمی‌آید و این ضعف کارهنری ماست.

بازیگر کسی است که بتواند از عهده بازی در همه نقش‌ها برآید. من اتفاقاً با آقای غریب پور در مورد بدجنس بودن مادام تناردیه اختلاف نظر داشتم اما در نهایت به اتفاق نظر رسیدیم.

□ شما در کارهای اخیر بیشتر در نقش‌هایی بازی کرده‌اید که توان بدنی و انعطاف بدنی و حرکت در آن محور بوده است، مثل تبعیدی. در این نمایش آیا از همان روش‌ها برای بازی استفاده می‌کنید؟

■ هرکاری و هرکارگردانی سبک و سیاق خودش را دارد. در این نمایش نیازی به آن نوع از حرکت وجود ندارد.

□ این نمایش و این نقش آیا با سلیقه و ذوق شما یکی است؟

■ حتی در شرایط نبود تئاتر، اگر کاری را قبول نداشته باشم و کارگردانی را نپذیرفته باشم، هرگز کار نمی‌کنم زمانی ما وارد یک مجموعه تئاتری می‌شویم که یکدیگر را بپذیریم. این نمایش و این نقش هیچ مغایرتی با سلیقه من ندارد.

□ اگر کارگردان دیگری در موقعیت دیگر به لحاظ مالی و اقتصادی این نقش را پیشنهاد می‌داد، می‌پذیرفتید؟

من هرجایی که تئاتر نفس بکشد حضور دارم و اگر دقت کنید سعی می‌کنم هرجایی که تئاتر باشد حضور داشته باشم، خصوصاً در این سالهای اخیر که دیگر دارد تنفس تئاتر قطع می‌شود.

□ اجرای بینوایان چه تاثیری می‌تواند در روند کنونی تئاتر کشور ایجاد کند؟

■ امیدوارم بینوایان باعث شود تا تئاتر دوباره جان بگیرد.

□ چرا به تئاتر توجه نمی‌شود، دست اندرکاران تئاتر مقصرونند یا سیاست‌گذاران و یاهردو؟

■ یکی از عوامل خیلی موثر در ناپودی تئاتر، مسأله اقتصادی تئاتر است. در سال‌های گذشته شرایط اقتصادی جامعه بهتر بود حتی ما چند ماه یک نمایش را تمرین می‌کردیم و اجرا نمی‌شد. مشکلی هم پیش نمی‌آمد.

حالا فشار اقتصادی زیاد شده است. سینما و تلویزیون پرکار شده‌اند و در نتیجه بچه‌ها به خاطر مشکلات اقتصادی به آن سمت می‌روند می‌دانم که خیلی هایشان اصلاً راضی نیستند و دلشان می‌خواهد که کار تئاتر کنند، اما نمی‌شود حقوقی که ما می‌گیریم یک سوم کرایه خانه امن هم نمی‌شود. خیلی از بچه‌ها تئاتر مسکن ندارند. من بعد از ۲۲ سال فعالیت بازیگری در تئاتر و حضور در بیش از ۵۰ نمایش صحنه‌ای، ۷ کار سینمایی و چند سریال تلویزیونی - هنوز فاقد یک سرپناه هستم. این مشکلات باعث شده است تا تئاتر فراموش شود. اگر کمترین امکانات مالی وجود داشته باشند، بچه‌ها برمی‌گردند به صحنه تئاتر؛

□ با توجه به بحران موجود در تئاتر، آیا بینوایان موفق می‌شود؟

■ فکر می‌کنم تمامی کسانی که علاقمند به تئاتر هستند برای دیدن نمایش می‌آیند و از این اجرا حمایت می‌کنند. آدم‌هایی که آگاهند قطعاً خوشحال هستند که این گروه شکل گرفته و این نمایش اجرا می‌شود.

